

# اطلس

بهمن ۱۳۹۳

ماهنامه داخلی

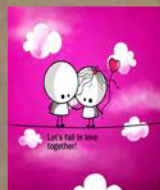
شماره ۴۸  
مدیر مسول: وحید امین التجار

نوستالوژی

سحابی ها

در بدن افراد عاشق چه می گذرد

آرتور شوپنهاور



بهینه سازی خط ۱۳۲ کیلو ولت پردیس - سد لار



با صرفه جویی در مصرف برق  
از تولید گازهای گلخانه ای جلوگیری کنیم



**WWF**

صندوق جهانی طبیعت

[wwf.org](http://wwf.org)

Viber

وایبر اطلسی ها  
پیمان مراتی

F  
U  
E  
L

# نوستانلوژی

تصور کنید که بتوانیم سن زمین را فشرده کنیم و هر صد میلیون سال آن را یک سال در نظر بگیریم! در این صورت کره زمین مانند فردی ۴۶ ساله خواهد بود!

هیچ اطلاعاتی در مورد هفت سال اول این فرد وجود ندارد و درباره ی سالهای میانی زندگی او نیز اطلاعات کم و بیش پراکنده ای داریم! اما این را میدانیم که در سن ۴۲ سالگی، گیاهان و جنگلها پدیدار شده و شروع به رشد و نمو کرده اند اثری از دایناسورها و خزندگان عظیم الجثه تا همین یکسال پیش نبود! یعنی زمین آنها را در سن ۴۵ سالگی به چشم خود دید و تقریباً ۸ ماه پیش پستانداران را به دنیا آورد. آخر هفته گذشته دوران یخ سراسر زمین رافرا گرفت. انسان جدید فقط حدود ۴ ساعت روی زمین بوده و طی همین یک ساعت گذشته کشاورزی را کشف کرده است!!!

بیش از یک دقیقه از عمر انقلاب صنعتی نمی گذرد و...حالا ببینید انسان در این یک دقیقه چه بلای بی سر این بیچاره ی ۴۶ ساله آورده است!!!

(طبیعت را دوست بداریم)

## سخن بچه های اطلس افروز

### آقای برات زاده:

قله های بزرگ با گام های کوچک فتح می شود.

### آقای صنعتی:

امیدوارم آنقدر خوب باشیم و خوب زندگی کنیم که وقتی از

خط پایان زندگی می گذریم کسی دست نزنند!!

### خانم مقدم:

موفقیت یعنی از مخروبه شکست، کاخ پیروزی ساختن

موقعیت یعنی از ناممکن ها ممکن ساختن.

### آقای پوریا صفار:

همیشه آماده گی باش تا هر چیزی رو که دوست داری بتونی تو

یک دقیقه ترک کنی.

### آقای امین التجار:

وقتی یک جمله ای رو که توی یک فیلم دیدی رو داری از زبون

خودت تعریف می کنی مواظب باش چون شاید به نفر قبلن اون

فیلم رو دیده باشه آقای پوریا.

## سخن بچه های اطلس افروز

پنجشنبه اول این ماه جلسه ماهانه تشکیل شد و بر پایه اعلام قبلی به یک نفر از شرکت کنندگان در مسابقه دل نوشته ها به قید قرعه جایزه اعطا گردید. فرد خوش شانس کسی نبود جز خانم سهیلی که با شعر زیباشون که در زیر آورده شده فضای جلسه رو شاد کردند. ضمناً از خانم ها و آقایان نوعی، مراتی، بدیعی، مرصعی و امین التجار که در این برنامه با دست نوشته های خودشون شرکت کرده بودند سپاسگذاریم.

اطلسی یعنی گلی زیبا و ناب در کنار باغچه رنگین وشاد

اطلسی باشد لباس پادشاه می هد بر قامتش جاه و جلا

اطلسی آن دریای بی انتهاست می خروشد در میان قاره ها

اوست رب النوع یونان قدیم می کشد بر دوش خود کل جهان

گرچه اشعارم بی وزن بود لیک قصدم بی غرض و محض بود

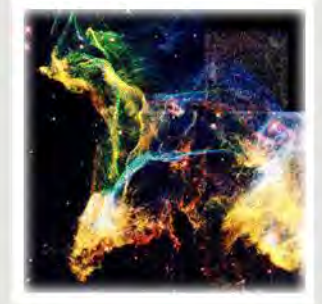




سحابی نشری  
Emission nebula  
سحابی بازتابی  
Reflection nebula

سحابی تاریک  
Dark nebula

# سحابی ها



در جهان علاوه بر ستاره‌ها مقادیر زیادی گرد و غبار و گاز وجود دارد که مابین کهکشانها پراکنده گردیده است. یعنی چگالی گاز در فضای بین کهکشانها فقط برابر ۲۰ اتم در هر اینچ مکعب است. برای مقایسه می‌توان آنرا با تعداد اتمهای موجود در هوا بر روی زمین و در سطح دریا برابر ۱۰ در هر اینچ مکعب است، مقایسه کرد. سحابی، ابر یا هر چیز دیگری است که از گرد و غبار و گاز میان ستاره‌ای تشکیل شده است. سحابیهای تابان ابرهایی گازی هستند که به علت نور ستارگان مجاور خود قابل رویت هستند. بعضی از سحابیهای تاریک بوده و تنها هنگامی که مانع عبور نور ستارگان یا سحابیهای تابان پشتشان می‌شوند، می‌توان آنها را دید. خیلی چیزهایی که زمانی سحابی نامیده می‌شدند، از نو طبقه بندی شده‌اند. در قرنهای پیشین این اشیاء در نظر ستاره شناسان ساختارهای ابر مانند مه آلود بودند، ولی بعداً ستاره شناسان با بهبود تلسکوپها توانستند این به ظاهر سحابیها را به عنوان کهکشان یا خوشه‌های ستاره‌ای شناسایی کنند.

## سحابیهای تاریک

سحابی تاریک ابری از گرد و غبار و گاز است که گازش نور میدانهای ستارگان یا سحابیهای تابان پشت سرش را که از این ابر می‌گذرند، جذب می‌کند. سحابیهای تاریک، که به سحابیهای جذبی نیز معروفند، هیچ تشعشعی از خود ندارند، ولی ممکن است نورهای جذب شده را به شکل امواج رادیویی یا انرژی مادون قرمز دوباره تابانند. شاید جرم سحابیهای تاریک چندین هزار بار از جرم خورشید بیشتر باشد. اگر یک سحابی به اندازه کافی جرم داشته باشد، در نقطه ای از زمان موادش فشرده شده و تبدیل به ستاره می‌شود. شاید سپس سحابی تاریک با ستارگان جوان گرم حرارت ببیند و به سحابی نشری درخشانی تبدیل شود.

## سحابیهای سیاره‌ای

ستارگان غول سرخ در اواخر عمرشان لایه‌های گازی بیرونی شان را به دور می‌اندازند. این لایه‌ها پوسته منبسط شونده‌ای از گازهای تابان را تشکیل می‌دهند که سحابی سیاره‌ای نامیده می‌شوند. علت این نامگذاری این است که ویلیام هرشل، منجم آلمانی الاصل (۱۸۲۲ - ۱۷۸۳)، تصور کرد که این پوسته‌ها شبیه سیاره‌اند. شاید از دید ناظر زمینی، این پوسته گازی به شکل ساعت شنی، حباب یا حلقه به نظر آید. این سحابی با سرعت تقریبی ۲۰ کیلومتر (۱۲ مایل) در ثانیه رو به بیرون حرکت می‌کند و بعد از ۳۵ هزار سال در محیط میان ستاره‌ای پراکنده خواهد شد.

## امواج انفجاری

موجهای ضربه ای انفجار ابر نواختر با سرعت هزاران کیلومتر در ثانیه در محیط میان ستاره‌ای سیر می‌کنند. این موجهای ضربه‌ای مواد میان ستاره‌ای را آشفته می‌کنند و شاید فرآیند فرو ریزش گرانشی را که سرانجام باعث تشکیل ستارگان در ابرهای میان ستاره‌ای می‌شود، آغاز می‌کنند. از هنگام اختراع تلسکوپ، هیچ ابر نواختری در کهکشان ما کشف نشده است. اگر ابر نواختری بوجود می‌آید، تا چندین ماه، در آسمان به تابناکی ماه می‌درخشید. اگر آن ابر نواختر فرضی به زمین بسیار نزدیک می‌بود، می‌توانست جو زمین را منهدم کند.

## سحابیهای تابان

دو نوع سحابی تابان وجود دارد: نشری و بازتابی، که هر دو با تولد ستاره ارتباط دارند. گازهای سحابی نشری عمدتاً در بخش قرمز یا سبز طیف می‌تابند، زیرا با حرارت ستارگان جوان گرم درون سحابی گرم شده‌اند. غبار سحابی، نور ستارگان جوان داخل و اطراف سحابی بازتابی را پراکنده می‌کند. دو نوع سحابی تابان دیگر نیز وجود دارند: بقایای ابر نواختری و سحابیهای سیاره‌ای. هر دو اینها از مواد دفع شده ستارگان در حال مرگ تشکیل شده‌اند.

## در بدن افراد عاشق چه اتفاقی می افتد؟!



هیجانان سرگیجه آور، ضربان تند قلب و نفس زدن های بریده بریده و همه اینها متأسفانه چیزی جز نشانه های بالینی مصرف بیش از حد این ماده شیمیایی در بدن فرد عاشق نیستند.

### عشق مانند اعتیاد

ممکن است کسانی به این مولکول عشق معتاد شوند. آنها به مقادیر زیاد مواد آفتامین مانند دوپامین، نور اپی نفرین و فیل اتیل آمین نیاز دارند. از آنجا که بدن نسبت به این مواد شیمیایی مقاومت پیدا می کند، برای رسیدن به همان درجه از حال، مقدار مصرف این افراد رفته رفته افزایش پیدا می کند. از این رو برای برآوردن نیاز خود ناگزیرند روابطشان را مداوم تجدید کنند.

آزمایشی با چند شرکت کننده انجام گرفته است، در این آزمایش افراد در حالیکه در دستگاه MRI قرار داشتند، یک بار عکس معشوق خود و یک بار یک عکس غریبه نشان دادیم و عکسهای مغزی آنها را در این دو حالت مقایسه کردیم. به نظر می آید که دو ناحیه در مغز که مسئول احساس عشق هستند را شناسایی کرده ایم. از علائم بارز دیگر، بالا رفتن میزان هورمون دوپامین (Dopamin) و نورآدرنالین (Noradrenalin) و پایین آمدن میزان هورمون سروتونین (Serotonin) در مغز است. انرژی جوشان، تحریکات خوشحال کننده گاهی تا به حد رسیدن به خلسه، عرق کردن زیاد و تپش قلب نتیجه ترشح این سوپ هورمونی است.

### مراحل عشق

آنچه در باره عشق می دانیم هنوز عمدتاً خارج از کنترل ماست. برای مثال شیفتگی ظاهراً نخستین مرحله عاشق شدن است، کششی اجتناب ناپذیر به سوی معشوق. این جذب به موجب ترشح انفجاری مواد شیمیایی عصبی بسیار شبیه به آدرنالین می شود. با کمک فیل اتیل آمین (که سرعت جریان تبادل اطلاعات میان سلولها را افزایش می دهد)، دوپامین (که ما را برافروخته می سازد و باعث میشود در نتیجه گرمای محبت احساس خوبی داشته باشیم) و نور اپی نفرین (که موجب تولید آدرنالین می شود)، کاری می کند که جهان به کام ما باشد، چشم هایمان آکنده از برق عشق شود و قلبمان تندتر بتپد. پس از آن تمام هستی ما وابسته به دیدار یار است، همان که در حضورش تمام این واکنش ها در بدن ما به راه می افتد و هرچه اعتیاد ما به این مواد شیمیایی قوی تر می شود، کشش ما بسوی او نیز شدیدتر می شود. در این مرحله مرتکب اشتباهات احمقانه بسیار می شویم. داستان های عشقی پر از این اشتباهات است.

ممکن است کسانی به این مولکول عشق معتاد شوند. آنها به مقادیر زیاد مواد آفتامین مانند دوپامین، نور اپی نفرین و فیل اتیل آمین نیاز دارند. از آنجا که بدن نسبت به این مواد شیمیایی مقاومت پیدا می کند، برای رسیدن به همان درجه از حال، مقدار مصرف این افراد رفته رفته افزایش پیدا می کند. از این رو برای برآوردن نیاز خود ناگزیرند روابطشان را مداوم تجدید کنند.

آزمایشی با چند شرکت کننده انجام گرفته است، در این آزمایش افراد در حالیکه در دستگاه MRI قرار داشتند، یک بار عکس معشوق خود و یک بار یک عکس غریبه نشان دادیم و عکسهای مغزی آنها را در این دو حالت مقایسه کردیم. به نظر می آید که دو ناحیه در مغز که مسئول احساس عشق هستند را شناسایی کرده ایم. از علائم بارز دیگر، بالا رفتن میزان هورمون دوپامین (Dopamin) و نورآدرنالین (Noradrenalin) و پایین آمدن میزان هورمون سروتونین (Serotonin) در مغز است. انرژی جوشان، تحریکات خوشحال کننده گاهی تا به حد رسیدن به خلسه، عرق کردن زیاد و تپش قلب نتیجه ترشح این سوپ هورمونی است.

البته هورمون های استروئیدی نظیر استروژن (estrogen) و تستوسترون (testosterone) در میل جنسی نقشی حیاتی ایفا می کنند و بدون آنها شاید هرگز وارد قلمرو پرخطر عشق واقعی نمی شدیم. اما مشهورترین ماده شیمیایی مربوط به عشق همان فیل اتیل آمین (phenylethylamine) یا PEA است، نوعی آمین که به طور طبیعی در مغز تولید می شود. PEA یک آفتامین طبیعی، شبیه داروهای موجود در بازار است و میتواند موجب تحریکات مشابهی شود.

این همان ماده ای است که احساساتی همچون پرواز کردن در آسمان و بر فراز جهان بودن ناشی از کشش به سوی معشوق را در شما پدید می آورد و همان که انرژی لازم برای بیدار ماندن تا صبح و مکالمه های تلفنی را تامین می کند. ماده که در اصطلاح مولکول عشق نیز نامیده می شود در نتیجه یک سری اعمال ساده فریبنده همچون تلاقی دو نگاه یا تماس دو دست از مغز ترشح می شود.

نحوه انتقال سرتونین از پیامبر های عصبی به سلول هدف در محل سیناپس ( در افراد عاشق یا ترشح دوپامین این مسیر دچار اختلال می شود تا فرد عاشق، عیوب معشوقش را نبیند! )

دانشمندان می گویند که پس از دوره معینی که بین یک سال و نیم تا چهار سال طول می کشد، بدن فرد به محرک های عشقی عادت می کند. پس از ایجا مقاومت در برابر مواد انگیزاننده ای همچون PEA، عشق شورانگیز به سردی می گراید و تبدیل به چیزی می شود که هلن فیشر در کتاب « آناتومی عشق » دلبستگی می نامد. در این مرحله مغز شما شروع به تولید اندورفین می کند. این افیون مغز بیشتر شبیه مورفین هستند تا آمفتامین و بیشتر مخدر هستند تا محرک. فیشر می گوید: « برخلاف PEA، اندورفین ها ذهن را ساکت می کنند و به تدریج می کشند. » از این رو آنچه گاهی « اضطراب جدایی » نامیده می شود در عمل ممکن است نوعی کنار گذاشتن مخدر باشد.

### طلاق

نرخ طلاق در سالهای چهارم ازدواج به اوج خود می رسد. در این زمان شالوده هایی شیمیایی عشق شورانگیز فرو می ریزد. ناگهان ایرادهای همسران را می بینید. تعجب میکنید که چرا عوض شده است. در واقع همسر شما احتمالاً به هیچ وجه تغییر نکرده است؛ موضوع فقط این است که اکنون می توانید او را بی پرده ببینید نه از پشت شیشه رنگی هورمون ها. در این مرحله رابطه یا آنقدر قوی است که ادامه یابد یا به همین جا ختم می شود. برای مثال اندورفین ها هنوز می توانند به فرد احساس خوشبختی و امنیت بدهند.

علاوه بر این اکسی توسین نیز هنوز در هنگام رابطه جنسی آزاد می شود و احساس رضایت و تعلق ایجاد میکند. وازوپرووسین نیز به کمکتان می آید و همچنان در ایجاد وابستگی نقش بازی می کند. غم ناشی از مرگ همسر نیز کار اندورفین هاست که در شخص اشتیاق با هم بودن به وجود می آورند

### توصیه

با توجه به کوتاه بودن مدت ترشح هورمون عشق ، اگر به صمیمیت لازم نرسیم متوجه عشق فروکش شده می شویم و حتی ممکن است از عاشقی خود پشیمان شده و ناراحت باشیم. بنابراین از اول انتخاب درست انجام دهید، شخصی را انتخاب کنید که برایتان در دراز مدت جالب باشد، به نوع خاص خودش. به طرف همسر خود بروید، با او صحبت کنید و به حرفهایش گوش دهید، از او سوال کنید، سعی کنید جذاب باقی بمانید و احتیاجات خود را بیان کنید.

در واقع آنچه شیفتگی می نامیم تمام آن کارهایی است که این سه ماده شیمیایی با ما می کنند. احساس می کنیم سرشار از انرژی هستیم، روی ابرها سیر می کنیم و میتوانیم بدون خستگی ساعت ها حرف بزنیم.

مقادیر زیاد دوپامین به ترشح نور اپی نفرین بیشتر می انجامد که تمرکز، حافظه کوتاه مدت، بیش فعالی، بیخوابی و رفتار جهت دار را تقویت می کند. به عبارت دیگر دو طرف در این مرحله از عشق، به شدت روی رابطه خویش تمرکز دارند و به اغلب چیزهای دیگر توجهی نمی کنند. تبیین محتمل دیگر برای این تمرکز شدید و نگاه دلخواه که در مرحله جذبه دیده می شود، توسط پژوهشگران یونیورسیتی کالج لندن ارائه شده است. آنها کشف کرده اند که افراد عاشق، سرتونین کمتری دارند و دیگر اینکه مدارهای عصبی مرتبط با ارزیابی دیگران در آنها سرکوب شده است.

این مقدار اندک سرتونین همان چیزی است که در افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری - عملی دیده می شود و این احتمالاً تبیین می کند که چرا عاشق در باره معشوق خویش این همه وسواس فکری دارد.

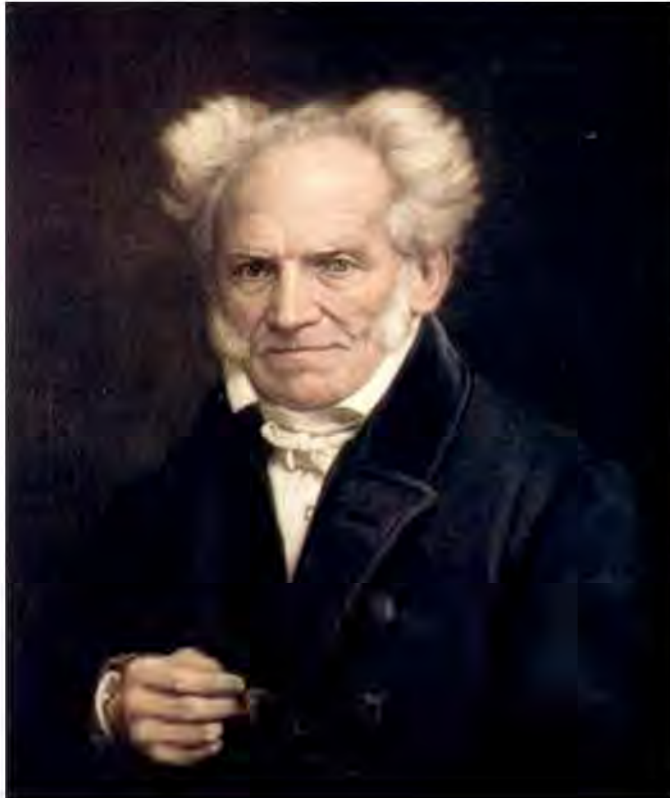
دوپامین به نوبه خود تولید اکسی توسین را تحریک میکند که گاهی « ماده شیمیایی آغوش » نامیده می شود. اکسی توسین بیش از همه به نقشی که در ایجاد انقباض حین زایمان و کمک به شیردهی نوزاد دارد شناخته می شود. دانشمندان اکنون بر این باورند که هر دو جنس هنگام آغوش و نوازش این هورمون پرورشی را ترشح می کنند و میزان آن در زمان ارگاسم ( اوج لذت جنسی ) به اوج می رسد.

اکسی توسین نیاز به در آغوش گرفتن را در عشاق بوجود می آورد و سبب می شود که تماس نزدیک با جفت افزایش یابد. به گفته پژوهشگران دانشگاه کالیفرنیا در سان فرانسیسکو، هورمون اکسی توسین « در ارتباط با توانی حفظ روابط سالم بین اشخاص و مرز بندی های روان شناختی سالم با افراد دیگر است. » وقتی در هنگام ارگاسم ترشح می شود، به تدریج یک پیوند عاطفی ایجاد می کند. هرچه رابطه جنسی بیشتر شود، این پیوند هم قوی تر می شود. به این ترتیب دو طرف به هم عادت می کنند.

به همین دلیل است که جدا شدن این قدر کار دشواری است. حتی وقتی واقعا دیگر علاقه ای به طرف مقابل ندارید و میدانید که باید او را ترک کنید، اغلب احساس می کنید که « نمیتوانید ». چرا؟ زیرا به او اعتیاد شیمیایی پیدا کرده اید. ترک اکسی توسین وقتی که شما را به فرد نامناسی قلاب کرده باشد، میتواند حتی از ترک هروئین هم دشوارتر باشد. در واقع مسکن اکسی کانتین ( oxycontin ) که ساختاری مشابه اکسی توسین دارد، یکی از اعتیاد آور ترین داروها به شمار می آید.

# آرتور شوپنهاور

(به مناسبت کارگاه نیمه جان کتابخوانی)



فیلسوف آلمانی یکی از بزرگترین فلاسفه اروپا و فیلسوف پرنفوذ تاریخ در حوزه اخلاق، هنر، ادبیات معاصر و روانشناسی جدید است.

او در شهر دانزیگ در پادشاهی پروس از پدری هلندی و مادری آلمانی زاده شد. پدرش بازرگان و با بضاعت بود اما او رغبتی به تجارت نداشت و به تحصیل علم بیشتر علاقه می ورزید. شوپنهاور ۱۷ سال بیشتر نداشت که پدرش خودکشی کرد و بعد از آن مادرش به وایمار رفت. مادر وی نویسنده بود اما به پسر مهری نداشت و به زودی مادر و پسر از هم جدا شدند. وی در حقیقت مهر مادری را نچشیده بود و البته این امر در عقاید او مؤثر افتاده بود. شوپنهاور با ازدواج مجدد مادرش مخالف بود و همین امر باعث شد فلسفه او حاوی عقایدی نیمه حقیقی در مورد زنان باشد. رابطه مادر و فرزند مدتی رسمی و بدور از نزاع بود اما مادرش که از گوته شنیده بود او مردی بزرگ خواهد شد با انداختن او از پله‌ها به رابطه مادر و فرزند پایان داد. در

نوشت:

"...هیچ زمانی برای فلسفه ناسازگارتر از آن نیست که آن را برای اغراض سیاسی به کار برند و وسیلهٔ امرار معیشت سازند. دیگر کسی با این قول معروف مخالفت نمی کند که اول زندگی بعد فلسفه. این آقایان می خواهند زندگی کنند آن هم از راه فلسفه، و حتی می خواهند زن و فرزندانشان از این راه نان بخورند. نغمهٔ من برای کسی آواز می خوانم که نان مرا بدهد همه جا حکومت می کند. قداما می گفتند که تحصیل پول از راه فلسفه کار سופسطاییان است... آنچه با پول به دست می آید چیز مبتدلی بیش نیست. ممکن نیست در عصری که بیست سال تمام هگل (این کالیبان صحنهٔ معنویات) را مانند بزرگترین فلاسفه تقدیر و ستایش می کنند، برای او ارزشی واقعی که محسود دیگرانش سازد قائل شوند... بلکه بر عکس، حقیقت همواره در میان عدهٔ قلیل پیدا می شود و باید با آرامی و فروتنی منتظر بود تا این عدهٔ معدود که از حقیقت لذت می برند، پیدا شوند. زندگی کوتاه است ولی حقیقت دورتر می رود و بیشتر عمر می کند؛ بگذار تا حقیقت را بگویم...

شوپنهاور با شیوع بیماری وبا؛ برلین را به مقصد فرانکفورت ترک کرد و تا آخر عمر در همان جا ماند.

وی تا آخر عمر ازدواج نکرد و ازدواج را مسئولیتی احمقانه می دانست.

منبع: ویکی پدیا

دانشگاه نخست به آموختن طب پرداخت و سپس به علوم طبیعی مشغول گشت و آنگاه به فلسفه روی آورد. در سال ۱۸۱۳ م. با نوشتن رساله ای در فلسفه از دانشگاه «ینا» درجه دکتری گرفت. وی به تحصیل معاش احتیاج چندانی نداشت اما طالب نام و شهرت بود. خواست معلمی کند اما حوزه درسش رونق چندانی نیافت و آن را بر مخالفت باطنی هگل حمل کرد. در سی سالگی (۱۸۱۸ م.) کتاب مهم خود را به نام «جهان اراده و نمایش است» (جهان همچون اراده و تصور) منتشر کرد. اما این کتاب هم مورد توجه قرار نگرفت و شوپنهاور از فاضلان معاصر خود سخت رنجید. شانزده سال پس از انتشار کتاب به شوپنهاور اطلاع دادند قسمت اعظم نسخ چاپی کتاب را به جای کاغذ باطله فروخته اند. طبیعتی بی آرام و متزلزل و پر از سو طن داشت و عصبانی بود. متأهل نشد و زندگانی را به تنهایی به سر برد. چند کتاب دیگر هم تألیف نمود که چندان چیزی بر مطالب اصلی ترین کتابش نیفزود. در سالهای آخر عمر کم کم اشتهار یافته بود و پس از مرگ شهرتش قوت گرفت. شوپنهاور با گوته نویسنده آلمانی و هگل فیلسوف مشهور معاصر و با اولی دوست بود و چندی بعد به وسیله یک هندو از عقاید بودائیان آگاهی یافت و پس از تجسس و تفکر زیاد به آئین بودایی اعتقاد کامل یافت.

او را در سال ۱۸۲۲ به عنوان استادیار به دانشگاه برلین دعوت کردند. او همان ساعات هگل را برای تدریس انتخاب کرد و این کار باعث شرکت نکردن دانشجویان در کلاس او شد؛ به همین دلیل استعفا داد و همچونامه‌ای بر ضد هگل

# اطلس

بهمن ۱۳۹۳

ماهنامه داخلی

شماره ۴۸

مدیر مسول: وحید امین التجار

نوستالوژی

سحابی ها

در بدن افراد عاشق چه می گذرد

آرتور شوپنهاور

